

# سارگش

## و پیشینه‌ی تاریخی آن در ایران

پژوهشگر: میترا شاطری

استاد راهنما: دکتر محمدحسن سمسار

استاد مشاور: دکتر هایده لاله



درفش‌ها نمادهایی از عقیده و تفکر یک گروه، قوم و یا یک ملت هستند. عده‌ای از افراد بشری با اعتقادات خاص، نظامی سیاسی، مذهبی، خانوادگی، قومی و یا ملی را برعهده می‌گیرند. نمادهای تصویری بر صفحه‌ی یک درفش، نمایانگر اعتقاد و ایدئولوژی خاص به‌وجود آورندگان آن می‌باشد و این از مهم‌ترین خصوصیت این‌گونه نمادهاست که می‌بایست در عین سادگی و اختصار، حامل و رساننده‌ی پیام و هدف معتقداتش به بیننده‌ی درفش باشد. از این رو تک‌تک اعضای یک درفش را می‌توان نمادین دانست. در این میان، حتی رنگ درفش نیز، مستثنی نمی‌باشد. بسیارند درفش‌هایی که نماد تصویری آنها تنها در رنگ خاص درفش خلاصه می‌شود. درفش تنها تک‌پارچه‌ای در اهتزاز نبوده و نیست.

آنچه از روزگاران کهن این شیء را از اشیای هم‌جنس، هم‌رنگ و هم‌نقش خود قابل تمیز می‌سازد، وظیفه‌ای است که برعهده‌ی این شیء است. فلسفه‌ی وجودی درفش را می‌توان در توت‌م و پرستش آن در میان قبایل و اقوام اولیه‌ی انسانی، جستجو نمود. آنچه انسان نخستین را بر آن داشت تا تصورات و عقاید و جهان‌بینی خود را به‌صورت غارنگاره‌ها و دیوارنگاره‌ها به تصویر کشد، در مرحله‌ی بعد باعث شد که این باورها را بر روی شیئی با قابلیت حمل و نقل منتقل سازد تا به این ترتیب قادر باشد از حمایت خدایان و توت‌م خود در هر مکان برخوردار شود و از اینجا، درفش پا به عرصه‌ی وجود نهاد. به تحقیق نمی‌دانیم مبدع و مخترع این شیء کیست؟ و یا اولین درفش از چه جنس و با چه خصوصیتی ساخته شد؟ ولی می‌توان حدس زد که مذهب، در ساخت درفش‌های اولیه نقش مهمی ایفا نموده است و به تدریج، استفاده و بهره‌ی از این شیء در جنبه‌های متفاوت نظامی، سیاسی و اجتماعی بشر جا پای بیشتری یافت. درفش‌ها چه نظامی باشند یا مذهبی و یا با هر کاربرد دیگر، نموداری هستند از عقاید، تفکرات، اهداف، ایدئولوژی و جهان‌بینی سازندگان خود. درفش‌ها همواره اشیایی قابل حمل بوده‌اند و به دلیل خصوصیت، نمادهای تصویری به‌کار رفته در درفش، در عین سادگی و وضوح می‌بایستی رساننده‌ی خطوط اصلی عقاید، اهداف و نظرات دارندگان آن باشند. به همین دلیل، همواره تمامی اجزاء به‌کار رفته در ساخت درفش، هر یک به‌نوبه‌ی خود، بخشی از این رسالت را برعهده داشته‌اند.

محققان، از چینی‌ها به‌عنوان مبدعان درفش نام می‌برند و کهن‌ترین درفش را متعلق به اواخر هزاره‌ی دوم پیش از میلاد می‌دانند اما با در نظر آوردن درفش شه‌داد، با قدمتی بیش از سه هزار سال قبل از میلاد، این ابداع را می‌توان به ساکنان بومی ایران زمین متعلق دانست و از آن پس ردپای درفش را می‌توان در هر دوره و تمدنی جستجو نمود. درفش‌ها از هر جنس و با هر کاربردی که باشند، حداقل از دو جزء ترکیب یافته‌اند: متن اصلی درفش که دربرگیرنده‌ی نماد تصویری می‌باشد و دسته‌ای که درفش بدان الحاق گشته و به‌واسطه‌ی آن حمل می‌گردد. لازم به ذکر است که در طول سده‌ها و هزاره‌ها، اجزاء دیگری نیز چون پرچم (دسته‌هایی از موی گاو تبتی، موسوم به یاک) و سردرفش‌ها به درفش الحاق و اضافه می‌شده است که این عناصر نیز به‌نوبه‌ی خود دارای خصوصیات نمادینی بوده‌اند. چنانچه ذکر آن رفت، درفش‌ها ورای خصوصیت ظاهری خود، حامل رسالت پیام‌رسانی برای جامعه و یا گروهی معین، با ایدئولوژی خاص خود می‌باشد. از این‌رو با بررسی دقیق‌تر بر روی درفش‌ها و نمادهای آن می‌توان به خصوصیات جوامع در هر دوره دست یافت و درست به همین دلیل، بررسی، شناخت و مطالعه بر روی درفش‌ها را می‌توان حایز اهمیت دانست، جنبه‌ای که مطالعات اخیر باستان‌شناختی کمتر بدان پرداخته است.

سؤالاتی چون: درفش از چه جنسی تهیه شود و چرا؟ چه رنگ یا رنگ‌هایی در آن به کار برده شود؟ چه تصویر یا تصاویری برای رساندن پیام‌دارندگان آن بر روی درفش حک شود؟ و هر تصویر، نماد چه امری باشد؟ و حتی این‌که برای حمل آن از میله، دسته‌ی چوبی و یا نیزه استفاده شود؟ همواره ذهن سازندگان درفش‌ها را به خود مشغول داشته است. هر یک از آنها با پاسخ دادن به این پرسش‌ها خالق درفشی بوده‌اند. به همین دلیل امروزه ما می‌توانیم از طریق بررسی دقیق‌تر درفش‌ها و اجزا آنها به مسائلی که ذهن سازندگان آنان را به خود مشغول داشته، پی ببریم و از این طریق به بررسی سازمان‌های نظامی، سیاسی، مذهبی و طبقاتی و یا اساساً اوضاع اجتماعی هر دوره بپردازیم.

به مرور زمان کاربرد نظامی درفش، بر کاربردهای دیگر آن رجحان یافت. تا آنجا که در کتب دینی زرتشتیان، از درفش‌ها تنها در خلال جنگ‌ها و نبردها نام برده می‌شود. درفش‌ها همواره از تهییج سربازان و جنگجویان، سهمی مؤثر و غیرقابل اغماض ایفا می‌نمودند.

افراشته و سرنگون شدن درفش به نشانه‌ی هزیمت و شکست قطعی سپاه و به غنیمت رفتن درفش‌ها موجب شکست غرور ملی و ضعف سیاسی تلقی می‌شد و تعدد درفش‌ها نشانگر قدرت نظامی برتر و معظم‌تر بود. بر همین اساس، درفش‌ها همیشه در قلب و مرکز سپاه جای می‌گرفت تا از هرگونه گزند و آسیب احتمالی درامان باشد و حفاظت از آن به‌عهدی سردار یا سردارانی دلاور، شجاع و مصمم گذارده می‌شد. در تاریخ و روایات کم نیست حکایت دلاورانی که تا پایان جان برای در اهتزاز بودن درفش خویش تلاش نموده‌اند و در این راه حتی از نثار جان

خویش دریغ نکرده‌اند. از این رو درفش داری، همواره به‌عنوان یکی از مناصب والا و بااهمیت و اشرافی محسوب می‌گشت، آنچنان‌که ممکن بود برای احراز این مقام، جنگ و گریزهایی بی‌امان به‌وقوع بپیوندد. از آنجایی‌که درفش‌ها همواره از عناصر زوال‌پذیر و فاسدشدنی ساخته شده‌اند، امروزه از این دست اشیاء نمونه‌ای به‌جز درفش شهداد به دست نیامده است ولی به دلیل اهمیت این شیء تصویر آن همواره بر دیوار نگاره‌ها و نقوش برجسته، سکه‌ها و ظروف و در دوره‌ی اسلامی بر مینیاتورها نقش می‌بسته است. بنابراین می‌توان از ترکیب این تصاویر و اطلاعاتی که متون هر دوره در اختیار ما قرار می‌دهد سیمایی نسبتاً روشن از درفش هر دوره به‌دست آورد.

آنچه که اطلاعات ما را از درفش دوره‌ی هخامنشی تشکیل می‌دهد ترکیبی است از گزارش‌ها و نوشته‌های مورخین یونانی و معدود آثار و اسناد باستان‌شناختی که با در نظر آوردن مجموع آنها چنین می‌توان نتیجه گرفت که در این دوره درفش‌های متنوع با کارکرد نظامی، سلطنتی - تشریفاتی، شخصی و مذهبی رایج بوده است. درفش‌های نظامی با نقش و تصویر عقاب به نشانه‌ی برتری و غلبه در جنگ‌ها و نبردها به کار می‌رفته است. گویا این نماد تصویری برای درفش‌های نظامی از سوی تمامی پادشاهان هخامنشی پذیرفته شده بوده است و در کنار این درفش‌ها هر پادشاهی نیز دارای درفشی خاص با نمادی خاص بوده است که هم در نبردها و هم در مراسم درباری مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در کنار این درفش‌ها خاندان‌های بزرگ و اشراف وابسته به دربار و سرداران نام‌آور نیز دارای درفش‌های شخصی بوده‌اند که در جنگ‌ها و مراسم درباری مورد استفاده قرار می‌گرفته است و هنگام اردو زدن و رزم برای شناسایی بهتر هر سردار و گروه تحت فرماندهی او به کار می‌رفته است و از درفش‌های مذهبی نیز در مراسم و آیین‌ها و اعیاد مذهبی بهره می‌گرفته‌اند.

در دوره‌ی اشکانیان این روند ادامه می‌یابد. به این صورت که در کنار درفش‌های نظامی، هر پادشاه درفشی مخصوص به خود با نماد تصویری خاص خود داشته است. آنچه از اسناد و مدارک که بیشتر مبتنی بر سکه‌شناسی این دوره است برمی‌آید این امر را نشان می‌دهد که بیشتر نمادهای تصویری را حیواناتی چون، اسب، گوزن، ماهی و عقاب تشکیل می‌داده است. در کنار این درفش‌ها، شاهان محلی نیز دارای درفش‌های خاص خود بوده‌اند که گاهی علاوه بر جنبه‌ی نظامی، کارکرد مذهبی نیز داشته است همانند درفش شاهان پارس که درفش بر روی سکه‌های آنان در کنار یک آتشکده به تصویر کشیده شده است. از این دوره تصاویر درفش‌های مهری بسیار زیادی از نقاط مختلف به دست آمده است که نشانه‌ای از گسترش و ترویج آیین مهری است. یکی از خصوصیات ایزد مهر حمایت از نظامیان و سربازان و یاری آنان برای تحقق و دستیابی به پیروزی است از این رو درفش‌های مهری به مرور زمان از کارکرد مذهبی خود گام فراتر نهادند و کارکرد نظامی گسترده‌ای یافتند.

خطوط اصلی درفش در دوره‌ی ساسانیان را بی‌شک از آن درفش کایانی باید دانست.

درفشی که پیدایش آن را می‌توان در اسطوره‌های نمادین جستجو نمود. هیچ نشانی از این درفش و خالق آن، کاوه در متون دینی زرتشتیان و آثار پیش از دوره‌ی ساسانی و حتی آثار ساسانی نمی‌توان یافت. آنچه که از این درفش می‌دانیم از طریق نویسندگان و مورخان قرون اولیه است و حتی با نگاه دقیقی به شاهنامه‌ی فردوسی نیز این دوره‌ی فترت را به وضوح می‌توان مشاهده نمود. فردوسی اسطوره‌ی پیدایش درفش کاویانی را در بخش اساطیری شاهنامه ذکر می‌کند و در بخش تاریخی به دوره‌ی ساسانی می‌رساند. در خلال توصیف نبردهای شاهان ساسانی در مورد درفش کاویانی سکوت می‌کند و ذکری از آن به میان نمی‌آورد. تنها در توصیف نبردهای آخرین شاهان ساسانی دوباره به ذکر نام درفش کاویانی می‌پردازد. با در نظر آوردن استفاده‌ی فردوسی از متون پهلوی و خداینامه در نوشتن و به نگارش درآوردن شاهنامه، این امر که شاهان ساسانی نشان دهند درفش کاویانی نموداری است از قیام یک منجی (کاوه) علیه ظالم زمان (ضحاک) و برپایی عدل توسط حکومتی عادل (به سلطنت رسیدن فریدون) در نزد آنها قرار دارد و پیشاپیش لشکر ساسانی برای براندازی حکومت غاصبان و ظالمان برافراشته می‌شود و به پیش می‌رود. در دوره‌ی ساسانی در کنار درفش کاویانی درفش سلطنتی شاهان و پس از آن سرداران و خانواده‌های وابسته به دربار (با تصاویر حیواناتی چون گرگ، شیر و گراز) و درفش‌های مذهبی نیز مورد استفاده واقع می‌شد.

با ظهور اسلام اندیشه‌ها و عقاید ایرانیان تازه مسلمان دستخوش تحولات عظیم و بنیادین گشت. به دلیل منع تصویرسازی و نگارگری در اسلام در طول چند سده‌ی اول اسلامی نمادهای



تصویری نقش شده بر درفش‌ها جای خود را به آیات قرآنی (برای رسمیت بخشیدن و مشروعیت دادن به حکومت خلفا) و نام خلفا داد. در این زمان به دلیل عدم وجود اشکال و نقوش بر روی درفش، رنگ درفش‌ها به ذکر نام آنها به صورت تنها بسنده می‌کند. هنگامی که خلیفه حاکمی را بر سرزمینی منصوب می‌داشت، درفشی برای او می‌بایست که بر روی آن نامی خود (خلیفه) و احتمالاً نام حاکم حک می‌شد و به این ترتیب حکومت آن حاکم، از سوی خلیفه مشروعیت می‌یافت. در متون به روایاتی برمی‌خوریم که حاکمی با حذف نام خلیفه از درفش آشکارا فرمانبرداری خود را از خلیفه نفی می‌نماید و بدین صورت خود را از انقیاد خلیفه رها می‌سازد. در این دوره، حضور درفش‌های غیر نظامی، سیاسی - نظامی، غیر سیاسی - نظامی، کم‌کم رنگ می‌بازد و اهمیت خود را از دست می‌دهد. این روند (به کار بردن آیات قرآنی و نام خلفا و حکام بر درفش‌ها) تا حدود زمان سلطنت غزنویان ادامه می‌یابد. از این دوره، دوباره نقش نمودن تصاویر و نمادهای تصویری بر درفش‌ها رایج می‌شود. در آثار و اشعار نویسندگان و شعرای این دوره به کرات لفظ شیر علم به کار می‌رود و نشان‌دهنده بازگشت و رجوع به سنت‌های کهن ایرانی است و این امر تا حمله مغول بر ایران ادامه می‌یابد. پس از تهاجم مغول، تا چندی گوشه‌هایی از فرهنگ و آداب و رسوم مغول در ایران رواج می‌یابد. این رواج فرهنگ در درفش‌ها نیز تأثیر خود را بر جای می‌گذارد، چنانکه در این دوره استفاده از پرچم (دسته‌ای از موی گاو تبتی موسوم به یاک) بر بخش فوقانی دسته‌ی درفش و استفاده از تصویر اژدها و سیمرغ به عنوان نمادهای تصویری معمول می‌گردد. در این دوره، کتب بسیاری به تصویر درمی‌آیند که در خلال این تصاویر، درفش‌ها نیز به چشم می‌خورند. بر روی درفش‌های این عصر بیشتر از نمادهای تصویری مرتبط با حیوانات افسانه‌ای و اساطیری مغولی چون اژدها و سیمرغ استفاده می‌شود. و فور درفش‌های این دوره را می‌توان مرتبط با اوضاع سیاسی این عهد دانست. در این دوره نقش شیر و خورشید به‌عنوان یکی از نمادهای تصویری بر روی درفش به کار می‌رود. این بن‌مایه از این پس به صورت استاندارد تا قرن‌ها در ایران پابرجا می‌ماند.

با رسمی شدن مذهب شیعه در ایران در دوره صفوی، بسیاری از جنبه‌های زندگی دستخوش تحول شد. از آن جمله می‌توان استفاده از سردرفش‌های فلزی را ذکر نمود که با نام یک یا چند تن از پنج تن آل عبا زینت داده می‌شد. مورد دیگر استفاده از آیات قرآنی بر روی درفش‌ها به جای نمادهای تصویری است. نقش شیر و خورشید در این دوره نیز از نمادهای رایج نقش شده بر درفش است. رواج یافتن علم‌های مذهبی که در مراسم عزاداری ائمه‌ی معصومین (ع) مخصوصاً امام حسین (ع) و یارانش در ماه محرم مورد استفاده واقع می‌شد، باعث رونق کاربرد مذهبی درفش گشت که دیرزمانی بود به فراموشی سپرده شده بود. پس از دوره صفویه نیز در زمان حکومت افشاریان، زندیان و قاجاریه، نقش شیر و خورشید همچنان به‌عنوان نقش غالب بر روی درفش‌های این دوره مورد استفاده قرار می‌گرفت.